

تأمین امنیت قضایی برعهده قوه قضاییه است. امنیت مذکور حالتی است که در آن، حیثیت جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی اشخاص در حمایت قانون و مصون از تعرض قرار گیرد. تصمیمی که در خاتمه رسیدگی کیفری به عنوان دادنامه صادر می شود، چنانچه بر یک فرآیند دادرسی عادلانه و منصفانه از لحظه کشف جرم و تعقیب آن تا صدور حکم کیفری استوار باشد، مظهر امنیت قضایی خواهد بود. برخورداری دادنامه کیفری از منطق و عقلانیت آن را توجیه پذیر و نزد هر فرد جامعه‌ی دارای عقل سلیمی مقبول می کند و این امر احساس امنیت و عدالت و انصاف را ایجاد خواهد کرد. برای ایجاد امنیت قضایی، دادنامه کیفری باید دارای سه شاخصه «استناد»، «استدلال» و «توجیه» باشد که دراصل ۷۸ متمم قانون اساسی مشروطه ۱۲۸۵، ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸، مواد ۲۳۹، ۲۵۰ و ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بند چهارم ماده ۲۹۶ و ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۲۳ قانون امور حسبی ۱۳۱۹، ماده ۲۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم ۱۳۶۶، بند «ت» دستورالعمل اتقان آراء قضایی و ماده ۴ سند امنیت قضایی قوه قضاییه مورد توجه مقنن قرار گرفته است.

«مستند» بدین معنا است که انشای دادنامه بر اساس قانون و اصول حقوقی باشد بر آن تصریح شود. همچنین ادله‌ایی که مستند دادنامه هستند، تصریح گردد. «مستدل» به این معنا است که مقام قضایی، بر اساس روش‌های پذیرفته شده حقوقی، واقعیت‌های پرونده را با احکام قانونی یا اصول حقوقی تطبیق دهد و علاوه بر توجیه امر، حکم هر قضیه را با تشریح مبانی آن استنباط نماید.

دادنامه کیفری زمانی توجیه پذیر است که علاوه بر مستند و مستدل بودن، اصول کلی حقوقی در انشای آن، نمایان باشد از جمله؛ اصل متناسب بودن جرم با مجازات، تناسب مجازات با وضعیت محکوم علیه، اصل فایده‌مندی مجازات برای جامعه و محکوم علیه، توجه به ادعا، دفاع و ایرادات اصحاب دعوا و پذیرش و رد آن‌ها به طور مستند و مستدل در مفاد دادنامه، به نحوی که هر وجدان آگاهی از جمله وجدان جمعی جامعه، دادنامه‌ی اصداری را پذیرا باشد.

توجیه‌پذیری دادنامه کیفری به معنای اقتناع احاد جامعه‌ی دارای عقل سلیم در پذیرش دادنامه‌ای است که بر مبنای منطق و عقلانیت صادر شده باشد. به عبارت دیگر استدلال دادگاه که منطوق دادنامه بر آن استوار بوده و مواد قانونی یا قواعد و اصول حقوقی که بدان‌ها استناد شده است از نظر عقلی و منطقی قابل پذیرش باشد. زیرا عقلایی و منطقی بودن دادنامه اصداری، یکی از شاخصه‌های توجیه‌پذیری آن می‌باشد. توجیه‌پذیری و عقلانی بودن، نتیجه‌ی «مستدل» و «مستند» بودن دادنامه است و در صورتی که حکم دادگاه «مستدل» و «مستند» باشد، توجیه‌پذیر نیز خواهد بود.

عدم انطباق دادنامه با قوانین موضوعه و نیز عدم پیروی آن از منطق و عقلانیت و توجیه‌پذیری باعث می‌گردد تا نه تنها فاقد ارزش قانونی شود بلکه حمایت اجتماعی جامعه را نیز از دست بدهد. قانونگذار در ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه، ادعای مخالف بودن رأی با قانون و ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ارائه شده را از جهات تجدیدنظرخواهی و از موجبات نقض رأی بر اساس ماده ۴۵۵ این قانون دانسته است. به عنوان مثال دریک مورد هیأت اصراری شعب کیفری دیوان عالی کشور در رأی اصراری شماره ۶۰۲۵-۴۵/۶/۷ به شرح ذیل استدلال کرده است: «اعتراضات دادرسی استان بر حکم فرجام خواسته که مورد تأیید جناب آقای دادستان کل کشور واقع شده از

جهت غیر موجه و غیر مدلل بودن آن نتیجتاً وارد است؛ زیرا علی هذا حکم مزبور از جهت غیر مدلل و موجه بودن و مخالفت آن با اصل ۷۸ متمم قانون اساسی مخدوش تشخیص و مستنداً به ماده ۴۳۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری به اکثریت آراء نقض و...» (مجموعه آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۴۷، ۵۹-۶۵).

در خصوص ضرورت «استناد» و «استدلال» در دادنامه، پژوهش‌های به رشته تحریر در آمده است لکن ضرورت توجیه‌پذیری دادنامه، کمتر مورد توجه واقع شده و مفهوم، الزامات و معیارهای دقیق آن بیان نگردیده نشده است. تبیین مفهوم توجیه‌پذیری دادنامه کیفری و سنجه‌های موجه بودن دادنامه در راستای تأمین امنیت قضایی و اجرای عدالت موضوع پژوهش حاضر است.

یکی از مهمترین وظایف حکومت اسلامی، برقراری امنیت در همه وجوه آن و برای آحاد مردم می باشد. امنیت قضایی یکی از وجوه با پُراهمیت امنیت می باشد. مطابق سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹، رسیدن به عدالت قضایی، هدف امنیت قضایی است که نتیجه آن اعتماد و اطمینان مردم به قوانین موضوعه و سیستم قضایی است. شهروندان در چارچوب آن احساس آسودگی و امنیت نسبت به احقاق حقوق و آزادی‌های خود می نمایند. اصل انشای دادنامه مستدل و مستند و موجه در راستای تحقق هدف مذکور در ماده ۴ قانون پیش گفته مورد توجه مقنن قرار گرفته است.

دادنامه کیفری، به عنوان ارزشمندترین سند هر پرونده قضایی باید از قدرت اقناع‌کنندگی و استحکام لازم برخوردار باشد. دلایلی که لزوم توجیه‌پذیری دادنامه کیفری را ثابت می‌کند مشتمل بر مواردی از قبیل ایجاد امکان نظارت بر عملکرد قضات، امکان احراز واقعیت و صحت اموری که تصمیم دادرس مبتنی بر آن است در دادگاه عالی، بالابردن ارزش علمی دادنامه، احترام به حقوق اساسی اصحاب دعوا در لزوم آگاهی از قوانین موضوعه و اصول حاکم بر قضیه، امکان نظارت اصحاب دعوا و توجیه و اقناع ایشان نسبت به حکم صادره و ایجاد زمینه اعمال حقوق دفاعی در اعتراض احتمالی به رأی با استفاده از طرق شکایت از آراء، جلوگیری از غرض‌ورزی و شتاب‌زدگی قضات در صدور آراء و تضمینی برای بی‌طرفی دادرس و استقلال سیستم قضایی و امکان نظارت در دادگاه عالی دانسته شده است.

همچنین لزوم توجیه رأی یکی از جهات تمایز احکام توافقی از اعمال اداری دادگاه است و دادگاه پس از توجیه و استدلال، مفاد دادنامه را صادر می‌کند؛ ولی اعمال اداری توجیه نمی‌شوند مگر در مواردی که قانون آن را تکلیف کند.